



دوشنبه 2 اردیبهشت 1398 - 16 شعبان 1440 - 22 آوریل 2019

رحلت استاد برجسته و عالم محقق آیت الله "میرزا مهدی آشتیانی" (1332 ش)

رحلت استاد برجسته و عالم محقق آیت الله "میرزا مهدی آشتیانی" (1332 ش)

میرزا مهدی آشتیانی، حکیم، عارف و دانشمند شیعی در حدود سال 1266 ش (1306 ق) در تهران متولد گردید. پدرش میرزا جعفر ملقب به میرزا کوچک از شاگردان آقا محمدرضا حکیم قمشه و مادرش دختر حاج میرزا حسن آشتیانی، مجتهد معروف تهران بود. ایشان پس از فراگیری مقدمات، خارج فقه و اصول را نزد شیخ فضل الله نوری و آقا سیدعبدالکریم مدرس آموخت. وی از آن پس سالها در تهران مدرس فلسفه و عرفان بود و عنوان مدرس رسمی مدرسه سپهسالار را داشت. در این میان شاگردان فرهیخته و تربیت نمود که میرزا ابوالحسن شعرانی، دکتر عبدالجواد فلاطوری، دکتر محمدابراهیم آیتی، سیدجلال آشتیانی، مهدی حائری یزدی و بدیع الزمان فروزانفر و... از آن جمله اند. آیت الله میرزا مهدی آشتیانی در سال 1325 ش برابر با سال 1365 - 1366 هجری قمری، به استدعای فضلا و طلاب حوزه علمیه قم چندی به قم مهاجرت کرد و به تدریس و افاضه پرداخت و استاد شهید مرتضی مطهری در آن مدت قلیل توفیق استفاده از محضر او را داشت. میرزا مهدی آشتیانی بی گمان یکی از متبحرترین شارحان و مدرسان فلسفه بود ولی ذوق عرفانی او بر مشرب عقلی و اش غلبه داشت و این همه در آثار و شروح و حواشی او که البته از حد شرح و تفسیر بسیار فراتر می روند و خود، آثار مستقلی به شمار می روند، به خوبی هویداست. از این عالم برجسته و محقق توانا آثار متعددی بر جای مانده که: حاشیه شرح منظومه منطق و حکمت، اساس التوحید درباره قاعده "الواحد" در وحدت وجود از آن جمله است. میرزا مهدی آشتیانی سرانجام در دوم اردیبهشت 1332 ش برابر با نهم شعبان 1372 ق در 66 سالگی درگذشت و در حرم حضرت معصومه (س) مدفون گردید.

تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به فرمان حضرت امام خمینی (ره) (1358 ش) در نخستین روزهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال 1357، بنا به فرمان حضرت امام خمینی (ره) به جوانان غیور و انقلابی ایران اسلامی، عده ای از دلسوختگان راستین و پیروان صدیق ولایت فقیه گرد هم جمع شدند و نهاد مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را پی ریزی کردند. پس از مدتی حضرت امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی در دوم اردیبهشت ماه 1358 طی فرمانی به شورای انقلاب، رسماً تأسیس نهاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را اعلام کردند و شورای انقلاب نیز با تأسیس شورای فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، گامی اساسی در جهت سازماندهی این نهاد انقلابی برداشت. در اولین اطلاعیه سپاه، وظایف کلی آن چنین عنوان شده است: کمک به اجرای امور انتظامی و امنیتی، مبارزه مسلحانه علیه جریانهای ضدانقلاب، دفاع در برابر حملات داخلی و خارجی، همکاری و هماهنگی با نیروهای مسلح نظام اسلامی، تربیت و آموزش اخلاقی و ایدئولوژیکی - سیاسی و نظامی کادر سپاه و... اگرچه سپاه هویتی نظامی دارد اما نظامی و گری در واقع یک بُعد از ابعاد این نهاد مکتبی است. سپاه نهادی نظامی در جهت اهداف و آرمانهای والای انقلاب اسلامی است که حفاظت و نگهداری از نظام و حکومت اسلامی مهم ترین رکن آن را تشکیل می دهد. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در افقی فرازمند، دارای آرمانهای مکتبی، انسانی و جهان شمول است که باید همیشه حرکت خود را به آن سو جهت دهد.

دستنگی و تعبد "سیدجمال الدین اسدآبادی" به دسته "ناصرالدین شاه" (1308 ق)،

سیدجمال الدین اسدآبادی در شعبان سال 1254 ق در اسدآباد همدان به دنیا آمد. وی در ده سالگی همراه پدر به قزوین رفت و در مدت دو سال، در حوزه علمی و فراگیری علوم اسلامی پرداخت. سیدجمال الدین سپس عازم تهران شد و در درس آقا سیدمحمدصادق طباطبایی همدانی حاضر گردید و توسط ایشان ملبس به لباس روحانیت شد. او در سال 1266 ق راهی نجف اشرف گردید و در محضر شیخ انصاری به کسب علوم تفسیری، حدیث، فقه، اصول، کلام، منطق، فلسفه، ریاضی، طب، هیئت و نجوم همت گماشت. سید در 1270 ق راهی هندوستان شد. وی در آنجا به سلطه انگلیس بر هند پی برد و به مقابله علیه آن پرداخت. او جهت شناسایی دنیای اسلام و راههای مقابله با استعمار، مسافرت و سفرهای متعددی را به نقاط مختلف جهان انجام داد و فعالیت های گسترده ای را آغاز کرد. سیدجمال الدین اسدآبادی اتحاد دنیای اسلام با تمسک به قرآن و نیز بیرون راندن استعمار انگلستان از سرزمین های اسلامی را می خواست و در این راه از هیچ تلاشی

امانوئل کانت فیلسوف بلندآوازه آلمانی در بیست و دوم آوریل 1724م در گنِگسیرگ آلمان در خانواده‌ای متوسط به دنیا آمد و از کودکی به طبیعت علاقه‌مند شد. وی پس از پایان تحصیلات خود در رشته ریاضیات، الهیات و فلسفه، به تدریس در یک روستا پرداخت و بارها دعوت دانشگاه برلین برای تدریس فلسفه را رد کرد. کانت تا 46 سالگی شغل خاصی نداشت و از آن زمان، در دانشگاه شهر خود به تدریس فلسفه روی آورد. کانت در زندگی، بسیار منظم بود و کارهای خود را با نظم عجیبی انجام می‌داد. او در طی این سال‌ها، سیستم فکری خاصی به عمل آورد که در کلیه فلاسفه پس از او تأثیر داشته است. کانت هم‌چنین آثار متعددی به نگارش درآورد که نقد عقل محض، مبانی مابعدالطبیعه اخلاق، نقد عقل عملی و دین در حدود عقل از آن جمله‌اند. در این آثار، کانت نظریات خود را با مباحثاتی چنان بغرنج و در هم تشریح می‌کند که تلخیص آنها کار مشکلی است. کانت اشیاء را به دو دسته تقسیم می‌کند: یکی چیزهای مربوط به تجربیات ما که می‌توانند با مقولات فهم ما سازگار شوند، دیگر، چیزهای قائم بالذات که عقل ما نمی‌تواند به راحتی به گنه آنها پی ببرد. کانت برای توضیح نارسایی عقل و درک حقیقت این ذات‌ها، بحث خود را با تنازعات احکام و تناقضات منطقی اصولی که نمی‌توان آنها را تحلیل کرد آغاز می‌کند و به این ترتیب ثابت می‌کند که زمان و مکان هم نامتناهی است و هم محدود، هم خدا وجود دارد و هم وجود ندارد. علم اخلاق و زیباشناسی نیز از نظر کانت بر همین مبانی استوار است. به عقیده کانت، در انسان احساسی اخلاقی هست که حکم می‌کند فلان کار خیر است و فلان امر، شر. خود انسان ممکن است عمل شر و زشتی را انجام دهد، ولی وجدان و احساس اخلاقی او، آن عمل را زشت خواهد دانست، و اگر چنین نبود، اصلاً پشیمانی معنی نداشت. پس عقل عملی، عقلی است که انسان را از پرداختن به کارهای زشت نهی می‌کند و به انجام اعمال نیک امر می‌نماید. کانت می‌گوید: چنان رفتار کن که دستور عمل تو بتواند قاعده کلی و جهانی گردد و نیز چنان عمل کن که شایسته انسانیت باشد چه در مورد شخص خود و چه در مورد دیگران. کانت هم‌چنین اعتقاد به اختیار، ابدیت و خدا را مربوط به ایمان می‌داند نه حکمت. کانت اعلام می‌دارد که دانش ما تماماً ناشی از تجارب حسّی نیست و ذهن ما فقط بسته‌ای از تأثرات نیست، بلکه دانش مطلق و مجرد از تجربه و نیز چیز معینی به نام ذهن وجود دارد. معرفت مطلق و ذهن متکی بر تجارب حسّی ما چون شنیدن، دیدن، لمس کردن، چشیدن و بوییدن نیست، بلکه اموری قبلی هستند یعنی پیش از تجربه ما وجود دارند. بنابراین، حقایق کلی، ذاتاً محقق و معلوم‌اند و احتیاج به دریافت اشتباه‌آمیز ما ندارند. کانت در زمینه فلسفه دین، سیاست، تاریخ و علوم دقیق زمان خود نیز دارای تالیفات متعدد می‌باشد. امانوئل کانت سرانجام در 12 فوریه 1804م در زادگاه خود در هشتاد سالگی و در حالی که تمام عمر را به صورت مجرد زندگی کرد، درگذشت و در همان‌جا مدفون شد. بر سنگ قبر او یکی از عبارات معروف او را نوشته‌اند: دو چیز است که روح را به شگفت می‌اندازد و هر چه بیشتر بیندیشی شگفتی تو از آن دو چیز بیشتر خواهد شد. یکی آسمان پر ستاره‌ای که بالای سر ما است و دیگری قانون اخلاقی، که در دل ماست. فروگذار نمی‌گردد. سید جمال الدین در سال 1308 ق از طرف ناصرالدین شاه به خارج از کشور تبعید شد. وی در 1310 وارد مرکز خلافت عثمانی در اسلامبول گردید، ولی بعدها سلطان عثمانی علیه او کارشکنی کرد و در سال 1314 وی را مسموم کرد و به شهادت رسانید. سید جمال الدین در اسلامبول مدفون است.